

## با نگاه به گزینه دولت مستقل فلسطین کارکردها و رویکردها در روند صلح خاورمیانه

### ۱- پیشینه

عنوان مناطق حفاظت شده طبیعی به دور از رژیم اسرائیل با تجاوز، کشتار، و دستگیری مبارزان فلسطینی، سعی دارد که به مبارزه با قیام ملتی بپردازد که مبارزه اش ریشه تاریخی داشته و این زمان احیاء شده است. این مبارزه در تداوم خود، ظهور شارون را باعث شده است. سیاست های خشونت بار شارون و عدم پای بندی این رژیم به موافقتنامه اسلو و به ویژه وای ریور، باعث تغییر در مواضع دولت ها و افکار عمومی ملت ها شده است. براساس این توافقنامه که با نظارت و مشارکت مستقیم آمریکا در ۲۲/۱۰/۱۹۹۸ به امضاء رسید، ۷۱ درصد از سرزمین های کرانه باختری در گروه C به A، ۹ درصد این منطقه به منطقه B، و ۲ درصد نیز به

۱. منطقه A: به منطقه ای گفته می شود که تشکیلات خودگردان حق تسلط بر فعالیت های اداری در کنار مسئولیت حفظ امنیت داخلی را در آن به عهده دارد.

منطقه B: منطقه ای است که تشکیلات خودگردان حق انجام فعالیت های اداری را به عهده داشته ولی مسائل امنیتی به اسرائیل واگذار شده است.

منطقه C: منطقه ای است که هم مسائل اداری و هم مسائل امنیتی آن توسط نیروهای اسرائیلی اداره می شود و تشکیلات خودگردان حق دخالت در این امور را ندارد.

توسط اسرائیل) و بقیه کرانه باختری نیز تحت حاکمیت اسرائیل باقی می ماند. البته تحقق آنها منوط به اجرای توافقنامه مذکور بود. اجرای این موافقتنامه ها توسط تفکر افراطی نتانیا هو، با شکست روبرو شد، اوج مذاکرات در دوران باراک بود که در کمپ دیوید (۲) به بن بست رسید، سپس شارون با تفکر امنیت کامل برای اسرائیلی ها به قدرت رسید. وی هرگز به موافقتنامه های موجود اعتقاد نداشت، به همین دلیل با رادیکالیزه شدن زندگی سیاسی، موج خشونت سرزمین های اشغالی را فراگرفت. به نحوی که حتی مقرر دولت خودگردان و نهادهای این سیستم، تحت حملات دولت شارون قرار گرفت و حتی شخص عرفات در رام الله در محاصره قرار گرفت.

با وجود آنچه گفته شد، چندان روا نیست که شارون را همچون یک متغیر مستقل به حساب آوریم. او بیشتر، محصول و نتیجه دور جدید مبارزه ملت فلسطین است. تفکر شارونی «امنیت کامل»، محصول رهیافت فلسطینی «مبارزه کامل» است و این معادله نمی تواند برعکس باشد.

## ۲- سیر تاریخی روند صلح خاورمیانه

نقطه عزیمت روند صلح خاورمیانه، قرارداد اسلو می باشد. این روند با کشتن رابین و سپس روی کار آمدن نتانیا هو با بن بست مواجه شد. نتانیا هو، تاکتیک ویژه ای در مذاکره با فلسطینی ها داشت، او فلسطینی ها را به مذاکره ترغیب

می کرد و در مقابل امتیازهای اندکی می داد که هرگز آنها را عملی نمی ساخت و امتیازهای بیشتری از فلسطینی ها می گرفت و با بروز اختلافاتی در روند گفتگوها، مذاکرات مجدداً از نقطه صفر آغاز می شد. نقطه اوج بن بست در روند صلح خاورمیانه در کمپ دیوید دوم بود. اسرائیل و ایالات متحده سعی کردند تفکر خود را در مورد آوارگان، قدس شریف، شهرک ها و... به عرفات تحمیل کنند. علی رغم این مسئله، عرفات از پذیرش درخواست اسرائیل و ایالات متحده آمریکا خودداری کرد و اعلام کرد که در صورت پذیرش خواسته های مذکور، باید وی را از همین حالا مرده فرض کرد. عرفات به طور کنایه آمیزی کلینتون را به تشییع جنازه خود در صورت پذیرش شرایط وی دعوت کرد. کلینتون نیز در پاسخ به عرفات هشدار داد که وی آخرین رئیس جمهور آمریکا است که با فلسطینی ها مذاکره می کند و تأکید کرد که رؤسای جمهوری بعدی وی را در کاخ سفید نخواهند پذیرفت. به علاوه فلسطینی هادر لیست گروه های تروریستی قرار خواهند گرفت و کمک های مالی به فلسطینی ها نیز قطع خواهد شد. با روی کار آمدن بوش، بسیاری از پیش بینی های کلینتون، نمود خارجی و عینی پیدا کرد. از سوی دیگر انتخاب شارون به نخست وزیر رژیم صهیونیستی و حضور افراطیون در بلوک قدرت، موجب اتخاذ سیاست های افراطی از سوی آنان برای سرکوب انتفاضه شد که پیامد شکست کمپ دیوید دوم بود. در عین

حال، حادثه ۱۱ سپتامبر موجب تشدید اقدامهای سرکوبگرانه از سوی اسرائیل گردید. تشدید اقدامات خشونت آمیز از سوی اسرائیل موجب مطرح شدن طرح صلح عبدالله، برپایی کنفرانس سران در بیروت و اجلاس شرم الشیخ گردید. علاوه بر این مذاکراتی نیز میان امیر عبدالله و مبارک با بوش از یک سو و شارون با بوش از سوی دیگر صورت گرفت و حضور مقامات سیاسی - امنیتی آمریکا در خاورمیانه افزایش یافت. در محور عربی، اعراب تحت فشار افکار عمومی خواستار پایان سرکوب فلسطینی ها از سوی اسرائیل شدند. برخی از سران کشورهای عرب حتی حاضر شدند اسرائیل را براساس قطعنامه های ۲۴۲ و ۳۳۸ شورای امنیت مشروط بر آن که این کشور به مرزهای سال ۱۹۶۷ عقب نشینی کند، به رسمیت بشناسند و در شرم الشیخ نیز بر اصلاحات بنیادی در تشکیلات خودگردان تأکید کردند.

### ۳- طرح صلح شارون

شارون نخست وزیر رژیم صهیونیستی در دیدار خود با کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا پیشنهاد تشکیل کنفرانس بین المللی برای دسترسی به صلح در خاورمیانه را مطرح کرد. در عین حال، برخلاف تصمیمات حزب لیکود، از تشکیل دولت فلسطینی با شرایط خاص از جمله مجهز نبودن به سلاح های سنگین و... حمایت کرد. این مسئله نشان دهنده تقسیم نقش میان نتانیاهو و شارون است و به هیچوجه نشان دهنده شقاق در حزب لیکود نیست. با این حال، شارون اعلام کرد که هنوز زمان تشکیل چنین دولتی فرا نرسیده است. پایان بخشیدن به عملیات شهادت طلبانه و ایجاد آتش بس میان طرفین برای دستیابی به توافق؛ از جمله عناصری هستند که اکنون مانع تشکیل دولت مستقل فلسطین شده است. به هر حال، طرح صلح شارون چرخش تاکتیکی یا استراتژیک نسبت به تفکرات گذشته شارون می باشد. وی در دهه ۱۹۷۰ خواهان اسکان یهودیان در اراضی اشغالی بود. و پس از آن، در زمانی که وزیر امور تأسیسات زیربنایی اسرائیل بود، تشکیل فدراسیون اردنی

- فلسطینی را پیشنهاد کرد. این طرح به جهت تغییر وضعیت جغرافیایی، جمعیتی و وضعیت ویژه مناطق اشغالی، موجب عکس العمل شدید اعراب شد. آنها همچنین طی نامه‌ای به سازمان ملل به طرح شارون اعتراض کردند و در عین حال به تغییر نام کرانه باختری توسط حزب لیکود به یهودا و سامره، اعتراض کردند.

### ماهیت طرح

**الف) در سطح منطقه‌ای:** در طرح شارون کشورهای عربی از یکدیگر متمایز شده و دیدگاه ویژه‌ای نسبت به عرفات و برخی کشورهای دیگر در سطح منطقه ابراز شده است. بر طبق پیشنهاد شارون، کنفرانس بین‌المللی صلح باید با حضور مصر، اردن، عربستان، مراکش، آمریکا، اسرائیل و یک هیأت فلسطینی بدون حضور عرفات تشکیل شود. از دیدگاه وی لبنان، سوریه و عرفات نمی‌توانند در این کنفرانس شرکت کنند. در مورد لبنان و سوریه نیز شارون خواهان مذاکرات جداگانه با اعراب است و در این مرحله تمایل ندارد مسئله فلسطین را به مسئله اراضی لبنان و جولان در سوریه پیوند بزند. در مورد عرفات میان مقامات رژیم صهیونیستی اجماع نظر وجود ندارد. در حالی که شارون خواستار حذف عرفات است، پرز معتقد است «حذف عرفات ممکن نیست». اینک حتی مبارک و عبدالله نیز تلویحی صحبت از تغییر عرفات می‌کنند.

اسرائیل همچنین اقدامات عراق را به منظور تسویق انتفاضه و پرداخت غرامت به خانواده‌هایی که در راستای مبارزه با ارتش رژیم صهیونیستی شهید می‌شوند و یا منازل آنان تخریب می‌گردد در راستای به تأخیر انداختن حمله به عراق از سوی غرب به رهبری ایالات متحده قلمداد می‌کند.

**ب) در عرصه بین‌المللی:** در طرح صلح شارون روسیه، اروپا و سازمان ملل متحد جایگاهی ندارند. مسکو که به عنوان ضامن طرح اسلو همراه آمریکا عمل کرده بود از معادلات صلح خاورمیانه براساس طرح شارون کنار گذاشته شده است. رژیم صهیونیستی از همکاری روسیه با ایران، سوریه و عراق ناخرسند است و از این که آمریکا نتوانسته است مسکو را به قطع همکاری هسته‌ای با ایران مجبور سازد، ناخشنود است. چرا که اسرائیل خود را در معرض خطر مثلث (سوریه، عراق و ایران) به ویژه، ایران می‌داند. ایالات متحده نیز با اسرائیل در مورد کنارگذاشتن روسیه از مذاکرات صلح خاورمیانه موافق است. در نتیجه روسیه که به عنوان یک بازیگر سنتی در معادلات و مذاکرات دیپلماتیک خاورمیانه نقش داشت، در طرح شارون، کنارگذاشته شده است.

در مورد اروپا، علیرغم این که اتحادیه اروپا دارای نماینده ویژه‌ای در عرصه خاورمیانه است، با این حال اسرائیل اتحادیه اروپا را کنار نهاده است، تحقیر اتحادیه اروپا، و عدم اجازه به نمایندگان عالی‌رتبه این اتحادیه برای ملاقات با عرفات نشان‌دهنده همین امر است. به نظر

انتخاب کرده است. در واقع، این طرح در مقابل طرح عبدالله مطرح شد، تا این گونه تصور نشود که اعراب خواستار صلح و اسرائیل خواهان جنگ است.

**ب) در بعد فلسطینی - طرح مزبور خواهان انجام اصلاحات از طرف فلسطینی ها است که عرفات اکنون در حال اجرای آن است، از جمله این اصلاحات، انتخاب وزیر کشور در کابینه حکومت خودگردان است که در کابینه قبلی حضور نداشت. با این اقدام، تفکر سرکوب و کنترل انتفاضه توسط خود فلسطینی ها مطرح می گردد.**

در واقع شارون با افزایش فشارهای اقتصادی، نظامی و با توسل به ایالات متحده، انتخاب های عرفات را بیش از پیش محدود می سازد. بنابراین اسرائیل با توجه به استراتژی بقا و انطباق و گریز از انزوا، به دنبال خروج از انزوا با توسل به طرح های صلح منطقه ای و از جمله طرح صلح شارون است. شارون برای تحقق طرح خود به ایالات متحده و در میان کشورهای منطقه ای به مراکش، اردن، مصر، عربستان و ترکیه متکی است. اسرائیل تلاش می کند که این طرح را در تابستان سال جاری در چارچوب کنفرانس بین المللی صلح خاورمیانه همگام با طرح پاول (دو طرح اسرائیلی - آمریکایی)، احتمالاً در ترکیه برگزار کند. ارزیابی ما این است که در

تحلیل نهایی این طرح بدون حضور، سازمان ملل متحد و برخی قدرت های بزرگ مانند روسیه و اتحادیه اروپا، شکست خواهد خورد ضمن این که چون پیشنهاددهنده طرح شارون

می رسد، انتقادات اروپاییان از اسرائیل و گسترش تفکر ضد یهودی در میان راست های افراطی اروپایی، و سیاست سنتی اسرائیل نسبت به اروپا، متغیرهای عمده ای برای کنار گذاردن اتحادیه اروپا از روند صلح خاورمیانه باشد. ضمن این که اسرائیل همواره از علاقه اعراب برای مقابله با اسرائیل از طریق اروپاییان آگاه بوده است. اسرائیل همچنین از تصمیمات شورای اروپا در برلین (۱۹۹۹)، همکاری با طرح میچل و نیز اجلاس (۲۰۰۱)، تأکید اتحادیه اروپا بر عدم تخریب ساختارهای قدرت دولت مستقل فلسطین، تفکر کنفرانس بارسلون در همکاری اروپا - مدیترانه (بدون اسرائیل) ناخشنوده بوده است.

بالاخره در مورد سازمان ملل متحد، باید گفت که حضور این سازمان در کنفرانس بین المللی صلح خاورمیانه به معنی حضور روسیه، فرانسه و چین در مذاکرات صلح خاورمیانه است؛ بنابراین، اسرائیل مخالف حضور این کشورهاست. در این مورد نباید انتقادات دبیر کل سازمان ملل، ایجاد کمیته حقیقت یاب از سوی این سازمان؛ برخورد غیرانسانی اسرائیل با مری رایینسون کمیسر عالی حقوق بشر را فراموش کرد.

### هدف اصلی طرح شارون

**الف) در بعد اسرائیلی - فلسطینی، هدف اصلی، خروج این رژیم از انزوا و بین المللی است. همچنین اسرائیل استراتژی بقا و انطباق را**

مصاحبه با پروفسور هشام شرابی

## نگاه «شارونی» آمریکایی ها

از فردای ۱۱ سپتامبر

گفت و گو و برگردان حسین میرشاک

پروفسور هشام شرابی، نویسنده و اندیشمند شهیر فلسطینی در سال ۱۹۲۷ در شهر یافا در فلسطین، متولد شد. وی در سال ۱۹۴۷ برای تحصیل راهی آمریکا شد و در دانشگاه شیکاگو ثبت نام کرد و نخست فوق لیسانس خود را در فلسفه دریافت و چندی بعد موفق به دریافت درجه دکتری در رشته تاریخ تمدن ها شد.

دکتر هشام شرابی تاکنون کتب متعددی به رشته تحریر درآورده است که از آن جمله می‌توان به کتاب‌های «روشنفکران عرب و غرب»، «سیاست و دولت‌های خاورمیانه»، «مسئله فلسطین، متون و اسناد» و همچنین «مقدمه‌ای بر مطالعه جوامع عرب» اشاره کرد.

برخی از آثار دکتر شرابی به فارسی نیز ترجمه شده است. دکتر شرابی در سال ۱۹۷۸ «مرکز تحلیل‌های سیاسی در مورد فلسطین» را با همکاری جمعی از دوستان خود تأسیس کرد. استاد شرابی از آغاز فعالیت مرکز یادشده که جزئی از «صندوق فرهنگ و توسعه قدس» می‌باشد، ریاست آن را به عهده داشته است.

○ آیا ممکن است اصولاً توضیح دهید که فرمول «یک حکومت، دو ملت» چیست؟

● خوب! این فرمول به این شکل است که یک دولت با دو ملت داشته باشیم یعنی یک حکومت فلسطینی - اسرائیلی که از ملت فلسطین و اسرائیل که تحت حکومت یک دولت واحد هستند، تشکیل بشود.

○ به نظر شما این فرمول تا چه حد قابل اجرا است؟

● اسرائیل آن را کاملاً رد می‌کند و بیشتر فلسطینیان نیز آن را نمی‌پذیرند.

←

می‌باشد نزد فلسطینیان و رهبران کشورهای اسلامی با تردید و سوء ظن همراه است و پیشرفت و موفقیتی کسب نخواهد کرد. هم اکنون طرح امیر عبدالله با اصلاحاتی که توسط آمریکا انجام خواهند داد، زمینه بیشتری در کشورهای عربی و غربی دارد.

## ۴- اصول ثابت کشورها در روند صلح خاورمیانه (الف) اسرائیل

هر دو حزب کار و لیکود، به هیچ عنوان مذاکره با اعراب را به صورت مجموعه‌ای واحد نمی‌پذیرند و مذاکره انفرادی با آنها را ترجیح می‌دهند. شامیر تنها تحت فشار بوش در کنفرانس مادرید شرکت کرد. اسرائیل همچنین به جز آمریکا، هیچ بازیگر دیگری را در عرصه منازعات یا صلح عربی - اسرائیلی نمی‌پذیرد. در عین حال، در خصوص اصل مذاکرات میان دو حزب اختلاف نظر وجود دارد. چپ‌گرایان، معتقد به اصل زمین در برابر صلح هستند که در چارچوب طرح خاورمیانه جدید پرز قابل بحث است (تکنولوژی اسرائیل + نیروی کار ارزان عربی = خاورمیانه جدید یا اسرائیل)، لیکود معتقد است که توسعه ارضی باید ادامه یابد و اسرائیل نباید هیچ ذره‌ای از سرزمین خود را از دست بدهد. به اعتقاد رهبران حزب لیکود مذاکراتی که از اسلو شروع شد کاملاً اشتباه بوده و اوضاع باید به قبل از ۱۹۹۳ برگردد، همچنین باید دولت خودگردان فلسطینی بر

چیده شود.

**عربستان سعودی:** عربستان سعودی، به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و به خاطر دست داشتن اتباع سعودی در این حادثه، سعی کرد منافع ملی این کشور را به قیمت فدا کردن فلسطینی‌ها حفظ کند. طرح صلح عبدالله، ارائه آن به کنفرانس بیروت و حضور در نشست شرم الشیخ در این راستا قابل مطالعه است. ضمن آن که عربستانی‌ها معتقد بودند که پیامد حادثه ۱۱ سپتامبر صرفاً متوجه آنها بوده است. برای اسرائیل موضع گیری‌های عربستان از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که این کشور کانون مراکز مقدس مذهبی مسلمانان است و شناسایی مشروط اسرائیل توسط این کشور گامی برای تثبیت اسرائیل در منطقه محسوب می‌شود.

**اردن:** از نظر اردن، صلح یک اصل حتمی است. اردن از دو سو احساس خطر می‌کند. از یک طرف اسرائیلی‌ها اردن را یک کشور جمعی می‌دانند و از طرف دیگر آنان معتقدند، فلسطینی‌ها کشور دارند، سرزمین دارند و آن هم اردن است. نظریه کنفدراسیون اردن - فلسطین در همین راستا مطرح می‌شود.

**سوریه:** سوریه به نظر می‌رسد، در حال حاضر علاقه‌ای به آزاد سازی جولان ندارد، و تداوم اشغال را در شرایط فعلی به نفع خود می‌داند. در واقع پس از اشغال جولان، هیچ گونه تحرکی از این منطقه علیه اسرائیل صورت نگرفته است. هم اکنون در هر مذاکره صلحی سوریه به عنوان یکی از عناصر اصلی مذاکره مطرح

## ب) اعراب

برای اکثر کشورهای عربی، صلح تنها گزینه است. آنان آمادگی جنگ مجدد را ندارند و به همین جهت بر اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل تأکید می‌ورزند و در این شرایط آمادگی دارند موجودیت اسرائیل را به طور مشروط بپذیرند. از دید عرفات، مرزهای عربی به روی فلسطینی‌ها بسته شده است. مصر در جریان کمپ دیوید و اردن در جریان سپتامبر سیاه، به طریق دیگری با فلسطین رفتار کردند و سپتامبر سیاه، اوج سرکوب فلسطینی‌ها بود. از طرف سوریه و در منطقه جولان هرگز اقدامی علیه اسرائیل صورت نگرفته است و در سال ۱۹۸۲ فلسطینی‌ها و عرفات از لبنان اخراج شدند. با این اقدامات فلسطینی‌ها کیلومترها از مرزهای فلسطین دور شدند و در نهایت مجبور شدند به روند اسلو، گردن نهند.

**مصر:** مصر ادعای رهبری جهان عرب را دارد، و نقش میانجی رامیان اعراب و اسرائیلی‌ها بازی می‌کند. واقعیت این است که اگر مصر در یک جنگ عربی علیه اسرائیل آماده نباشد، دیگر کشورهای عربی هرگز اقدام به جنگ نخواهند کرد. در این میان، افکار عمومی مصر، به گونه دیگری عمل کرده و نسبت به فلسطینی‌ها و سرنوشت آنها حساس است و نهادهای مذهبی در مقایسه با دولت، حساسیت بیشتری نسبت به فلسطین از خود نشان می‌دهند.

○ دلیل این مسئله چیست؟ ملت فلسطین به چه دلیل با آن مخالف است؟

● چون آنها می‌خواهند تمام حقوق خود را در سرزمین خود، به دست آورند. به این معنا که آنها نمی‌خواهند بر اساس این فرمول، به یهودیان و اسرائیلیان بپیوندند.

○ دلیل مخالفت اسرائیلیان با این فرمول چیست؟

● چون آنها یک دولت اسرائیلی یهودی می‌خواهند که هیچ عنصر خارجی در آن راه نداشته باشد. اندیشه اصلی اسرائیل و یهودیان این است که تنها یک دولت یهودی، برای یهودیان وجود داشته باشد این است که بیشتر آنها، این را نمی‌پذیرند.

○ بنابراین شما اجرا و تحقق این فرمول را غیرممکن می‌دانید؟

● در حال حاضر بله! ده سال دیگر، تعداد فلسطینیان در فلسطین از سواحل دریای مدیترانه تا رود اردن، از تعداد یهودیان در فلسطین بیشتر شده و یهودیان اقلیت می‌شوند و در این هنگام، ممکن است تعداد زیادی از فلسطینیان دولتی واحد برای دو ملت فلسطین و اسرائیل را بپذیرند، به طوری که ملت فلسطین اکثریت را داشته باشد همان‌طور که قبل از سال ۴۸ چنین بود.

○ چندی پیش دولت آمریکا سیاست جدید خود را در قبال فلسطین اعلام کرد که به موجب آن باید یاسر عرفات کنار گذاشته می‌شد و فرد دیگری جای وی را می‌گرفت. در صورتی که یاسر عرفات به هر دلیلی از کار برکنار شود، جانشین وی با چه مشکلاتی روبرو خواهد بود؟

● آنها فکر می‌کنند یاسر عرفات به اندازه کافی خواسته‌های اسرائیل و دولت آمریکا را برآورده نمی‌کند و به نظر می‌رسد که او به اسرائیل و آمریکا قول چیزهایی را داده بوده و به آن عمل نکرده است. این است که دولت آمریکا گفته که دیگر به او اعتماد

←

است و اگر جولان آزاد شود، سوریه در عرصه خاورمیانه به یک کشور درجه دو تبدیل می‌شود. دلیل دیگر این که کمک‌های سالیانه‌ای که این کشور از کشورهای عربی به دلیل اشغال جولان دریافت می‌کند، مبلغ قابل توجهی است. سوم این که، سوریه با این وضعیت می‌تواند تسلط خود را بر لبنان ادامه دهد.

**لبنان:** سیاست‌های این کشور تابعی از سیاست‌های سوریه است. لبنان تنها می‌خواهد مسأله آوارگان فلسطینی را حل کند زیرا در غیر این صورت وضعیت جمعیتی منطقه تغییر می‌یابد. ضمن این که مزارع شبعای لبنان در اشغال رژیم صهیونیستی است.

### ج) اتحادیه اروپا

این اتحادیه خواهان نقش فعالی در منطقه است، اما برخورد اسرائیل با اتحادیه اروپا تحقیرآمیز است. این در حالی است که طرف فلسطینی خواستار ایفای نقشی فعال از سوی اتحادیه اروپا است. چرا که اعراب خواهان آن هستند که میان آمریکا و اتحادیه اروپا، نوعی توازن ایجاد کنند. توجه اروپا به بحران فلسطین به سه مسئله اساسی باز می‌گردد: ۱) نزدیکی این منطقه به اروپا ۲) وجود اقلیت‌های عرب و مسلمان در اکثر کشورهای اروپایی که ارتباطات وسیعی با کشورهای خود دارند و تحت تأثیر مسائل فلسطین هستند؛ ۳) لابی صهیونیستی در اروپا ضعیف‌تر از آمریکاست، بنابراین اروپا می‌تواند نقش فعالی در منطقه ایفا کند.



**د) روسیه**

شده است.

در میان قدرت‌های بزرگ، روسیه نگاه فرصت طلبانه‌ای به مسأله فلسطین دارد و ضمن این که خواهان برخورداری از امتیازات خاص در چین برای سرکوب مسلمانان است، از این که آمریکا در بحران‌های مختلف مانند فلسطین درگیر و موفق نشود، خشنود است.

**ه) موضع آمریکا**

آمریکا به دلایلی که همچنان محتاج تحقیقات بیشتری است، همواره خود را موظف می‌داند از اسرائیل حمایت کند و با توجه به تفاهم نانوشته استراتژیک میان دو رژیم برای حمایت‌های مادی، مالی و تسلیحاتی از اسرائیل، آمریکا عمدتاً مسئولیت خشونت را متوجه فلسطینی‌ها دانسته و سرکوب مردم فلسطین از سوی دولت افراطی شارون را که از پشتوانه‌های بنیادگرایانه برخوردار است، در راستای دفاع از خود تلقی می‌نماید. همچنین دولت بوش تاکنون به عرفات اجازه نداده است از کاخ سفید دیدار داشته باشد. این دولت به عرفات به عنوان شخصی می‌نگرد که کلیه اقدامات فلسطینی‌ها به وی ختم می‌شود. حتی در ادبیات سیاست خارجی آمریکا صحبت از جایگزینی و گردش نخبگان در عرصه فلسطینی بود. علیرغم اعزام دیپلمات‌های آمریکا به منطقه، دولت بوش چندان علاقه‌ای به گفتگو با عرفات نشان نداده است. گرچه عرفات به منظور ملاقات با پاول، مجبوره صدور بیانیه‌ای در نفی خشونت

زیر می‌توان خلاصه کرد:  
 ۱- او نتوانست رهبران اعراب را برای حمله به عراق متقاعد کند، چرا که تفکر آنها این است که جریان فلسطین، حیاتی است و بر تحولات منطقه تأثیر مستقیمی خواهد گذارد. حمله به عراق مسأله فلسطین را متشنج‌تر می‌کند و آمریکا باید به حل بحران فلسطین اولویت بدهد؛  
 ۲- در شرایط فعلی پیشنهاد آتش بس میان

۵۶

۵۶

ندارد و شارون هم نمی خواهد با او همکاری کند.

○ آیا ممکن است در خصوص مشکلاتی که جانشین عرفات با آن روبرو خواهد شد بیشتر توضیح دهید؟

● او با همان مسایل و مشکلاتی روبرو خواهد بود که حکومت خودگردان اکنون با آن روبرو است. البته بستگی به نوع حکومت جدید فلسطینی خواهد داشت و با تغییر حکومت خودگردان به یک حکومت جدید اوضاع فرق خواهد کرد.

○ این فرد جانشین از نقطه نظر مردم فلسطین با چه مشکلاتی روبرو خواهد بود؟ آیا فرد دیگری جز یاسر عرفات می تواند محبوبیت لازم را بین ملت فلسطینی به دست آورد؟

● بله! طبیعتاً ممکن است. اگر انتخاباتی آزاد برگزار شود و مثلاً شخصی همچون دکتر حیدر عبدالشافی در آن شرکت کند، ممکن است ملت فلسطین به او رأی بدهند.

○ با توجه به سیاست اعلام شده آمریکا، آیا فکر نمی کنید کسی که جای یاسر عرفات را بگیرد با این مشکل روبرو خواهد بود که ملت فلسطین تصور خواهند کرد که وی از جانب آمریکائیان آمده است؟

● چنانچه کسی به این شکل جای او را بگیرد و در یک انتخابات آزاد، برگزیده نشده باشد، ملت فلسطین هرگز او را نخواهند پذیرفت.

○ در اسرائیل گروه های صلح طلبی هم وجود دارد. آیا این گروه ها می توانند بر روند تصمیم گیری در اسرائیل تأثیر بگذارند؟

● آنها در حال حاضر یک اقلیت کوچک هستند که تأثیر کمی در تصمیم گیری های سیاسی در اسرائیل دارند. البته ممکن است در مراحل بعدی این اقلیت توسعه پیدا کند و بتواند در انتخابات تأثیرگذار بشود و

←

طرف های فلسطینی و اسرائیلی راهگشا نیست، چرا که دو طرف نگران آینده زندگی سیاسی خود هستند. حکومت عرفات خواهان پایان دادن به اشغال نظامی است و طرف اسرائیلی به دنبال تأمین امنیت خود می باشد؛ آتش بس هیچکدام از این دو مساله را حل نمی کند.

۳- باید طرح عبدالله راجدی گرفت، چراکه برای اولین بار اعراب حاضر به شناسایی اسرائیل در قبال بازگشت اسرائیل به سرزمین های ۱۹۶۷ شده اند. هر چند آمادگی چنین پذیرشی از قبل نیز در برخی اعراب وجود داشته است. همچنین بازگشت آوارگان و مهاجران را در طرح عبدالله باید اصلاح و تعدیل کرد؛

۴- افراطگرایی و رادیکالیسم در میان طرف های فلسطینی و اسرائیلی خیلی رشد کرده است؛ این مسئله ممکن است موجب گسترش سلفی گری و طالبانیسم در سرزمین های اشغالی شود و به گسترش فعالیت های بنیادگرایی سنی بیانجامد.

۵- تروریسم ابزاری است که دو طرف برای رسیدن به اهداف خود به آن متوسل شده اند و به دنبال افراطی گری های ماه های اخیر به اوج خود رسیده است و این در تضاد با سیاست مبارزه با تروریسم آمریکا است.

۶- تاریخ نشان داده است که اسرائیل زمانی تن به مصالحه داده و در مذاکرات نرمش نشان داده است که فشار آمریکا به طور جدی مطرح بوده و یا فشار اعراب منطقه موثر بوده است.

به نظر می رسد که در شرایط کنونی،

اصلی‌ترین سیاست دولت بوش فشار بر عرفات و تهدید ضمنی دولت‌های عرب برای قطع هر نوع حمایت از فلسطینی‌ها باشد. اما از دیگر سو، به نظر می‌رسد یک انتفاضه قدرتمند و شجاع برای عملیات‌های تروریستی متقابل، این زمان اصلی‌ترین ابزار عرفات برای سوق دادن آمریکا به فشار بیشتر بر اسرائیل جهت نیل به حداقل امتیازات یا دست کم عقب نشینی از مناطق اشغالی جدید است. چنین می‌نماید که عرفات قصد ندارد این آخرین و موثرترین ابزار خود را به راحتی بر زمین گذارد. شاید به همین دلیل است که آمریکا، از عرفات اظهار ناامیدی کرده است.

نکته جالب توجه آن است که بین‌المللی‌گرایی جدید در مبارزه فلسطینی‌ها، در عین حال مستقل از نهادهای بین‌المللی متأثر از آمریکا عمل می‌کند و یا بر آن تأثیر می‌گذارد. با این حال به نظر نمی‌رسد که حقوق بین‌المللی‌گرایی اخیر مقاومت فلسطین، در شرایط جدید چندان تداومی داشته باشد. شرایط جدید در روابط فلسطینی-اسرائیلی، اصولاً در واکنش و برای نفی جهان متصل رفتارهای حقوقی کم‌خاصیت پدید آمده است که از حدود ۱۰ سال پیش به این سو، بر این روابط حاکم بوده است.

**۵- ایران و گزینه دولت مستقل فلسطین**  
جمهوری اسلامی ایران تنها کشوری است که خواستار آزادی همه سرزمین‌های اشغالی پس از سال ۱۹۴۸ است. ایران اگرچه دارای متحدینی

#### (و) نقش سازمان ملل متحد

با توجه به مواضع اعلام شده، آمریکا و اتحادیه اروپا، عمدتاً از طریق قطعنامه‌های مختلف سازمان ملل متحد مواضع خود را دنبال می‌کنند. این مساله نشان دهنده وزن محیط بین‌الملل و نقش کشورهای ذی‌نفع در حل و فصل مناقشات بین‌المللی و تحمیل اراده خود بر آنهاست. به هر حال، براساس قطعنامه‌های صادره چون ۱۳۹۷، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ که به نوعی از جمله دستاوردهای انتفاضه محسوب می‌شود و تحت فشار قرار گرفتن قدرت‌های جهانی و اسرائیل نزد افکار عمومی مردم جهان شده است، برای اولین بار به ترتیب از تشکیل کشور مستقل فلسطینی بحث شده و آمریکاییان با آن مخالفتی نکرده‌اند؛ و تنها سوریه به عنوان کشور عضو

روند سیاست‌گذاری اسرائیل را در قبال فلسطین تحت تأثیر قرار دهد. بدون شک چنین چیزی در صورت تغییر وضعیت فعلی، ممکن است. شارون قادر نخواهد بود اسرائیلیان را قانع کند که سیاست‌های وی منجر به استقرار امنیت خواهد شد و چنانچه مقاومت فلسطین ادامه یابد و شارون در پیشبرد کارهای خود به صورت دلخواه، از طریق اشغالگری و اقدامات نظامی، شکست بخورد، این به معنای شکست سیاست‌های وی بود و در این صورت دولتی جدید در اسرائیل سرکار خواهد آمد و انتخاباتی جدید با دولتی جدید خواهیم داشت.

#### ○ حوادث ۱۱ سپتامبر چه تأثیراتی بر مسئله فلسطین بر جای گذاشته است؟

● به طور خیلی خلاصه تأثیر اصلی این بود که دولت آمریکا از لحاظ سیاسی و همچنین تبلیغاتی سعی کرد، سیاست خود را در قبال مسئله فلسطین با شعار جنگ علیه تروریسم متحول کند و دیدگاه اسرائیلی را، مبنی بر این که مقاومت فلسطین نوعی تروریسم است، ترویج کند. بنابراین در مورد فلسطینیان تأثیر حوادث ۱۱ سپتامبر این بود که دولت بوش موضعی را اتخاذ کند که به طور کلی همان موضع اسرائیل بود. اسرائیل توانست دولت آمریکا را قانع کند و دولت آمریکا هم در وضعیتی قرار داشت که می‌شد آن را قانع کرد که مقاومت فلسطین و جنبش‌های مخالف در جهان اسلام و عرب، تروریست هستند. این بزرگ‌ترین تأثیر بر سیاست‌های آمریکا در قبال مسئله فلسطین بود. دولت بوش از دید اسرائیل و شارون به مسئله فلسطین نگاه می‌کرد. این دید اسرائیل و شارونی این بود که مقاومت فلسطینیان به طور کلی خشونت و تروریسم است و باید علیه آن جنگید. این چیزی است که انجام شد و آمریکایی‌ها در هجوم علیه ملت فلسطین با اسرائیل هم پیمان شدند.

در میان گروه‌های فلسطینی است، ولی همه این گروه‌ها مانند ایران خواهان نابودی اسرائیل و آزادی تمام بیت المقدس نیستند، و یا حداقل معتقدند که در عمل این کار ممکن نیست. علاوه بر این سایر کشورهای اسلامی و عربی نیز به طور جدی موجودیت اسرائیل را به زیر سؤال نمی‌برند و تحت شرایطی حاضر به شناسایی اسرائیل هستند. با توجه به این مسئله جمهوری اسلامی ایران برای دوری گزیدن از تحمل هزینه‌های غیر ضروری باید از طریق ارائه طرح‌های گوناگون و هماهنگ با ادبیات سیاسی موجود جهان حضور فعال‌تر و در عین حال کم هزینه‌تری را در صحنه خاورمیانه دنبال نماید.

یکی از طرح‌هایی که پیش از این نیز از سوی مقامات جمهوری اسلامی ایران مطرح گردیده است مسئله برگزاری همه‌پرسی برای تعیین سرنوشت فلسطین می‌باشد. این طرح علاوه بر آن که با هنجارهای پذیرفته شده بین‌المللی مطابقت دارد و با اصول جمهوری اسلامی ایران نیز در تعارض نیست، مسئولیت آینده فلسطین را به خود فلسطینی‌ها واگذار کرده و این بهانه را از مخالفان ایران خواهد گرفت که مسئولیت شکست بسیاری از طرح‌ها را بر عهده ایران می‌گذارند.

طرح برگزاری همه‌پرسی برای آن که بتواند به عنوان یک طرح جدی مورد توجه قرار گیرد باید از سوی وزارت امور خارجه به صورت عملیاتی تعریف شود و با توجه به شرایط

منطقه‌ای و بین‌المللی بر مواردی تأکید گردد که مقبولیت بیشتری داشته و فضا را برای چالش‌پذیری تنگ‌تر می‌نماید. برخی از موارد مهمی که در این طرح می‌توان بر آن تأکید کرد عبارتند از:

- ۱- واگذاری مسئولیت برگزاری همه‌پرسی به سازمان ملل متحد؛
- ۲- ضرورت برقراری آتش‌بس و حضور نیروهای پاسدار صلح برای برگزاری همه‌پرسی؛
- ۳- ضرورت حضور ناظران بین‌المللی مانند سازمان عفو بین‌الملل، کمیسیون حقوق بشر، سازمان کنفرانس اسلامی و غیره؛
- ۴- واگذاری حق رأی به تمامی ساکنان اصلی فلسطین (و تمامی آوارگان) اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی؛
- ۵- امکان به پرسش‌گذاران گزینه‌های مختلف در همه‌پرسی اعم از تشکیل یک دولت اسلامی با اقلیت یهودی و مسیحی و یا تحقق پیمان اسلو و یا تشکیل یک کشور واحد بر اساس دموکراسی و اکثریت نسبی و یا برقراری دموکراسی اجماعی و غیره.

تردید نیست که این طرح در نهایت موافقت آمریکا و اسرائیل را به همراه نخواهد داشت اما ارائه طرح فی‌نفسه دارای مزایای مهمی است:

- اول این که می‌توان در رابطه با مسئله فلسطین در سطح بین‌المللی وارد بحث شد و به عنوان یک کشور مهم حامی آرمان فلسطین نقش جدی ایفا کرد.

- دوم این که این طرح به دنبال حل مشکل خاورمیانه و تحقق روند صلح خاورمیانه نیست؛ بلکه به دنبال تفکر و قاعده‌هزینه - فایده است. چرا که ایران قبلاً به خاطر مسئله فلسطین - اسرائیل هزینه سنگینی پرداخته است. لذا ارائه این طرح فرصت مناسبی است که می‌توان مانند طرح‌های دیگر آن را ارائه داد و هزینه‌ای نپرداخت. ضمن این که در افکار عمومی بین‌المللی و نزد دولت‌ها نیز به مخالفت با روند صلح و کارشکنی در آن متهم نخواهیم شد. تنها اظهار نظری که ممکن است بشود این است که گفته شود طرح ایران قابل اجرا نیست؛ اما در مقابل این ادعا که ایران مخالف روند صلح است دیگر قابل طرح نخواهد بود.

در مجموع، روند صلح خاورمیانه که از اسلو شروع شد نشان می‌دهد که اعراب صلح با اسرائیل را به عنوان یک گزینه مناسب مطرح ساخته‌اند؛ در عین حال اصول ثابتی هم بر رفتار آنها حاکم است. در این میان ایران به عنوان یک بازیگر عمده منطقه‌ای سعی کرده است عقلانیت را پیشه کند. علیرغم برخی مشکلات، این طرح، حتی اگر جنبه عملیاتی و اجرایی نیز به خود نگیرد؛ موجب می‌گردد که ایران به عنوان یک کشور حامی آرمان‌های فلسطین با استفاده از مفاهیم رایج روابط بین‌المللی نسبت به احقاق حقوق مردم فلسطین تلاش نماید و هزینه حمایت از فلسطین برای ایران کاهش یابد.